

# المقصد الاول: اوامر

مرحوم آخوند بحث از اوامر را در فصل های متعددی مطرح کرده است که نخستین فصل مربوط به بحث از ماده امر است. بحث از ماده امر هم از جهات متعدده ای قابل بررسی است.

## الفصل الاول: ماده امر (ا، م، ر)

❖ جهت اول: معنای ماده امر

مرحوم سید مجاهد در مفاتیح الاصول برای ماده امر معانی متعدده ای را ذکر کرده است:

«اعلم أنه اختلف الأصوليون فيما وضع له لفظ الأمر أي أمر على أقوال:

الأول أنه القول المخصوص الذي يأتي إشارة إلى تعريفه فيكون غيره مجازا و هو لشيخ الطائفة و العلامة في النهاية و المبادئ و التهذيب و السيد عميد الدين و الشهيد الثاني و صاحب غاية البادى و البيضاوى و العبرى و الأصفهاني و الحاجبي و العضدى و غيرهم و فى شرح المبادئ لفخر الإسلام الجمهور على ذلك و فى بعض شروح الزبدة المحققون على ذلك و فى منية اللبيب المحققون على أنه ليس حقيقة فى غير القول و فى شرح العضدى الأكثر على أنه مجاز فيه.

الثاني أنه القول المخصوص و الفعل فيكون مشتركا لفظيًا بينهما و هو محكى عن السيد المرتضى و جماعة من الفقهاء بل عن ابن برهان أنه قول كافة العلماء،

الثالث أنه القول المخصوص و الصفة و الشأن و الشيء و الطريق و هو للمحقق فى المعارج،

الرابع أنه القول المخصوص و الفعل و الشيء و الشأن و هو لظاهر المحكى فى المنهاج عن البصرى،

الخامس أنه القدر المشترك بين القول المخصوص و الفعل و هو محكى عن الآمدى و أبى الحسين، و قيل القدر المشترك الشأن أو الموجود أو الشيء و قيل هو الفعل فإنه أعم من أن يكون باللسان أو غيره،

السادس أنه القول المخصوص و الأدلة العقلية على وجوب الأفعال فيكون مشتركا بينهما و هو محكى فى النهاية عن البغدادي.»



توضیح :

۱. اصولیون در موضوع له ماده «ا م ر» اختلاف کرده اند.
  ۲. گروه اول: موضوع له «ا م ر» قول مخصوصی است که تعریف آن خواهد آمد و لذا بقیه معانی، معانی مجازی است.
  ۳. گروه دوم: «ا م ر» مشترک لفظی بین قول مخصوص (صیغه افعال) و فعل (امر کردن) است.
  ۴. گروه سوم: موضوع له ا م ر، قول مخصوص، صفت، شأن شیء و طریق است.
  ۵. گروه چهارم: موضوع له ا م ر، قول مخصوص، فعل، شیء و شأن است.
  ۶. گروه پنجم: موضوع له امر قدر مشترک بین قول مخصوص و فعل است.
- این گروه خود اختلاف کرده اند. برخی این قدر مشترک را شأن دانسته اند، برخی «موجود» دانسته اند و برخی «شیء» دانسته اند و برخی هم قدر مشترک را فعل دانسته اند و گفته اند فعل اعم است از فعل گفتاری و غیر گفتاری.
۷. گروه ششم: «ا م ر»، مشترک لفظی است بین قول مخصوص و ادله عقلیه ای که یک کار را واجب می دانند [یعنی ادله عقلیه هم ا م ر هستند].

مرحوم آخوند در این باره ابتدا بحث را از منظر عرف و لغت بررسی کرده و می نویسد:

«الأولی أنه (قد ذکر للفظ الأمر معان متعددة: منها الطلب كما يقال أمره بكذا. و منها الشأن كما يقال شغله أمر كذا. و منها الفعل كما فی قوله تعالی و ما أمر فرعون برشید. و منها الفعل العجیب كما فی قوله تعالی فلما جاء أمرنا. و منها الشیء كما تقول رأیت الیوم أمرا عجیبا. و منها الحادثة و منها الغرض كما تقول جاء زید لأمر كذا). و لا یخفی أن عد بعضها من معانیه من اشتباه المصداق بالمفهوم ضرورة أن الأمر فی جاء زید لأمر ما استعمل فی معنی الغرض بل اللام قد دل علی الغرض نعم یكون مدخوله مصداقه فافهم و هكذا الحال فی قوله تعالی فلما جاء أمرنا یكون مصداقا للتعجب لا مستعملا فی مفهومه و كذا فی الحادثة و الشأن. و بذلك ظهر (ما فی دعوی الفصول من كون لفظ الأمر حقيقة فی المعینین الأولین) و لا یبعد دعوی كونه حقيقة فی الطلب فی الجملة و الشیء هذا بحسب العرف و اللغة.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. كفاية الأصول، صفحہ ۶۲



۱. برای امر معانی متعدده ای ذکر شده است.

۲. معنای اول: طلب

۳. معنای دوم: شأن [فلان شأن مرا به خود مشغول کرد = فلان امر مرا به خود مشغول کرد]

۴. معنای سوم: فعل [کار فرعون عاقلانه نبود = «وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ»]

۵. معنای چهارم: فعل عجیب [وقتی فعل عجیب ما پدید آمد، بالای آن را پائین =

«فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ

الْعَزِيزُ» (۶۶)۲

ترجمه:

چون امر ما فرا رسید، صالح را با کسانی که به او ایمان آورده بودند به رحمت خویش از خواری آن روز نجات

بخشیدیم. زیرا پروردگار تو توانا و پیروزمند است. (۶۶)»

۶. معنای پنجم: شیء [امروز امر عجیبی دیدم]

۷. معنای ششم: حادثه [امر کربلا بسیار عظیم است]

۸. معنای هفتم: غرض [برای امر دیدن شما آدمم = برای غرض دیدن شما آدمم]

۹. روشن است که برخی از این موارد، معنای «ا م ر» نیستند بلکه مصداق آن هستند.

۱۰. چراکه در «جاء لأمر كذا»، امر در معنای غرض استعمال نشده است بلکه غرض از لام فهمیده می شود

و امر مصداق غرض است.

[یعنی: امر در اینجا به معنای چیز است و جمله چنین معنی می دهد: «برای چیز کذایی آدمم» حال،

غرض از «لام» فهمیده می شود، اما «چیز کذایی» مصداق غرض گوینده است.

به عبارت دیگر: اگر متکلم می گوید «جئتک لزیارتک»، زیارت معنای خود را دارد و غرض از لام

فهمیده می شود و در عین حال زیارت مصداق غرض جایی بوده است. پس امر در اینجا مصداق غرض

است ولی موضوع له امر، غرض نیست بلکه موضوع له امر، شیء است که زیارت هم مصداق آن است

و هم مصداق غرض.]

۱. هود، ۹۷

۲. هود، ۶۶



۱۱. در «جاء امرنا» هم امر به معنای شیء است؛ ولی این شیء مصداق «عجیب» است و هم چنین است در حادثه و شأن.

۱۲. و لذا حرف فصول که امر را به معنای طلب و شأن می داند باطل است [چراکه شأن مصداق است].

۱۳. البته بعید نیست که امر را مشترک لفظی بین طلب [فی الجملة: بدون توجه به اینکه طلب وجوبی است یا مستحبی] و شیء به حساب آوریم.

